اندیشکده فرهنگ و توسعه

معرفی مقاله



بسیج پتانسیل؟ استفاده از رسانه‌های اجتماعی مرتبط با تروریسم راست‌گرا، ترس و مشارکت مدنی در میان مسلمانان آلمانی

نویسنده: هلنا ناپفر،فلیا وایسآیکون ویورگ ماتسآیکون

ارتباطات جمعی و جامعه | ۲۰۲۶

خلاصه

چکیده:

رسانه‌های اجتماعی یکی از منابع اصلی اطلاعات در مورد تروریسم، از جمله تروریسم راست‌گرا (RWT) هستند. تحقیقات قبلی نشان داده است که ارتباط رسانه‌های (اجتماعی) با محتوای تروریسم بر سطح ترس و نگرش‌های اجتماعی-سیاسی در جمعیت عمومی تأثیر می‌گذارد. مطالعه حاضر، استفاده فعال و غیرفعال از رسانه‌های اجتماعی مرتبط با RWT را در یکی از گروه‌های هدف اصلی نفرت و خشونت افراط‌گرایان راست‌گرا - مسلمانان - روشن می‌کند. پس از طبقه‌بندی خود و نظریه احساسات بین گروهی، ما مسلمانان آلمانی (N = 432) را بررسی کردیم تا بررسی کنیم که چگونه استفاده غیرفعال (مثلاً دیدن) و فعال (مثلاً نظر دادن) از رسانه‌های اجتماعی مربوط به محتوای RWT با ترس از RWT و متعاقباً با مشارکت مدنی (مثلاً داوطلب شدن در جامعه خود) مرتبط است. ما همچنین آزمایش کردیم که چگونه مشارکت مذهبی و ایدئولوژی سیاسی با استفاده فعال و غیرفعال از رسانه‌های اجتماعی در پیش‌بینی ترس تعامل دارند. نتایج نشان داد که استفاده فعال و غیرفعال از رسانه‌های اجتماعی با ترس ارتباط مثبت دارند. ارتباط بین استفاده فعال و ترس با مواضع سیاسی راست‌گرا قوی‌تر شد، اما با مشارکت مذهبی تعدیل نشد. ترس با مشارکت مدنی ارتباط مثبت داشت. نتایج، محدودیت‌ها و پیامدهای عملی بیشتر مورد بحث قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: فراتحلیل، آموزش زبان، هوش مصنوعی مولد، چت‌جی‌پی‌تی، یادگیری زبان دوم و زبان خارجی

خلاصه مبسوط مقاله:

تروریسم راست‌گرای افراطی (RWT) در کنار تروریسم اسلام‌گرا یکی از دو شکل کشنده تروریسم در کشورهای غربی شمرده می‌شود و آلمان در سال ۲۰۲۲ با ۳۰ حمله راست‌گرای افراطی تکمیل‌شده بیشترین شمار حمله را در اروپای غربی داشته است. بیشتر این خشونت‌ها متوجه خارجی‌هاست و در چارچوب ایدئولوژی برتری «بومیان»، مسلمانان به یکی از هدف‌های اصلی نفرت و خشونت تبدیل شده‌اند. تروریست‌ها برای رسیدن به هدف‌های سیاسی خود از ترس گسترده بهره می‌برند و رسانه‌ها با بازپخش پیام آن‌ها بر اثر این ترس می‌افزایند. شبکه‌های اجتماعی این فرایند را تغییر داده‌اند، زیرا کاربران اکنون می‌توانند با محتوای مرتبط با تروریسم روبه‌رو شوند و با آن تعامل کنند. شدیدترین نمونه، پخش زنده حمله مسجد کرایست‌چرچ در ۲۰۱۹ بود که ۵۱ کشته بر جای گذاشت. با این حال، پژوهش‌های رسانه و تروریسم بیشتر به تروریسم اسلام‌گرا پرداخته‌اند و دیدگاه جمعیت‌های اکثریت را سنجیده‌اند. Knupfer، Weiss و Matthes در این مقاله سه شکاف را هدف می‌گیرند: تفکیک استفاده فعال و منفعل از شبکه‌های اجتماعی، تمرکز بر تروریسم راست‌گرای افراطی، و بررسی مسلمانان به‌عنوان گروه هدف. پرسش نظری پژوهش آن است که این استفاده چگونه با ترس و رفتار مدنی مسلمانان آلمان پیوند می‌خورد.

برای تبیین این پیوند، نویسندگان از نظریه هویت اجتماعی، نظریه خودمقوله‌بندی و نظریه هیجان‌های میان‌گروهی بهره می‌گیرند. بر پایه این نظریه‌ها افراد خود را با گروه‌های اجتماعی مشخص یکی می‌دانند، و وقتی مقوله‌ای مانند دین یا قومیت برجسته می‌شود، خود و دیگر اعضا را بیشتر نمونه‌های جایگزین‌پذیر گروه می‌بینند و هیجان‌ها را بر اساس عضویت گروهی ارزیابی می‌کنند. بر اساس نظریه ارزیابی، ترس وقتی پدید می‌آید که موقعیت زیان‌بار، نامطمئن و غیرقابل‌کنترل ارزیابی شود. مسلمانان هدف مستقیم خشونت راست‌گرایانه‌اند، پس مواجهه با این محتوا می‌تواند ترس را بالا ببرد. نویسندگان دو شکل استفاده را از هم جدا می‌کنند: استفاده منفعل یعنی دیدن و خواندن محتوا، و استفاده فعال یعنی اشتراک‌گذاری، پسندیدن یا نظر دادن. پیشینه نظری راهنمای روشنی نمی‌دهد، چون استفاده منفعل را معمولاً با پیامدهای منفی و استفاده فعال را با احساس عاملیت پیوند می‌دهد. با این حال کاربر مسلمانی که فعالانه با چنین محتوایی درگیر می‌شود، منابع شناختی و عاطفی بیشتری صرف می‌کند و ممکن است تهدید گروهی را آگاهانه‌تر ببیند. بر این پایه فرضیه نخست پیش‌بینی می‌کند هر دو نوع استفاده با ترس از RWT رابطه مثبت دارند. اما این رابطه ممکن است در همه مسلمانان یکسان نباشد.

ناهمگنی درون مسلمانان آلمان، دو تعدیل‌گر را مهم می‌سازد: درگیری دینی و گرایش سیاسی. درباره درگیری دینی (H2) نویسندگان پیش‌بینی می‌کنند که رابطه استفاده با ترس در افراد دیندارتر قوی‌تر باشد، زیرا هویت مسلمان در خودپنداره آن‌ها مرکزی‌تر است. درباره گرایش سیاسی پیش‌بینی روشنی وجود ندارد و پرسش پژوهشی نخست (RQ1) مطرح شده است. در نمونه‌های عمومی، افراد چپ‌گرا تهدید راست‌گرایی افراطی را بیشتر ارزیابی می‌کنند (Snook و همکاران)، اما در گروه‌های دارای پیشینه مهاجرت، گرایش راست ممکن است با پیوندهای ملی به کشور مبدأ و حساسیت بیشتر به تهدید همراه باشد. فرضیه سوم (H3) فرض می‌کند ترس از RWT با مشارکت مدنی مثبت مرتبط است، زیرا ترس ناشی از تهدید گروهی در شرایطی می‌تواند به کنش جمعی و کنار آمدن سازنده بینجامد. مشارکت مدنی در اینجا کنش‌هایی است که به بهزیستی جامعه، محله یا گروه دینی معطوف است، مانند داوطلبی

در جامعه محلی. فرضیه چهارم (H4) استفاده منفعل و فعال را با مشارکت مدنی مثبت مرتبط می‌داند و پرسش دوم (RQ2) تفاوت این دو شکل استفاده را در رابطه با ترس و مشارکت مدنی می‌سنجد. این ترتیب فرضیه‌ها مدل مسیری می‌سازد که در آن استفاده از شبکه‌های اجتماعی به ترس و سپس به مشارکت مدنی می‌رسد. برای آزمودن این مجموعه فرضیه‌ها، پیمایشی آنلاین طراحی شد.

داده‌ها را شرکت Gapfish از ۴ تا ۱۰ مه ۲۰۲۲ با پرسشنامه آنلاین و پنل دسترسی وب گردآوری کرد. به دلیل دشواری دسترسی به جمعیت‌های اقلیت، سهمیه‌بندی به کار نرفت، اما تلاش شد نمونه از نظر جنسیت و تحصیلات متوازن باشد. کمیته اخلاق گروه ارتباطات دانشگاه وین پژوهش را پیش از شروع در ۷ مارس ۲۰۲۲ تأیید کرد و شرکت‌کنندگان پس از رضایت آگاهانه وارد شدند. پاسخ‌دهندگانی که سه گویه توجه غیرمنطقی (مانند «تولد من ۳۰ فوریه است») را پذیرفتند، یا پرسشنامه را در کمتر از یک‌سوم زمان میانه تکمیل کردند، حذف شدند. نمونه نهایی ۴۳۲ مسلمان ساکن آلمان بود که ۷۸/۹۴ درصد آن‌ها سنی، ۱۱/۱۱ درصد شیعه و ۹/۹۵ درصد از دیگر گرایش‌ها بودند. میانگین سنی ۳۷/۷۵ سال (انحراف معیار ۱۴/۲۳) بود و ۵۰/۶۹ درصد مرد، ۴۸/۸۴ درصد زن و ۰/۴۶ درصد جنسیت دیگر داشتند. حدود یک‌چهارم (۲۷/۰۸ درصد) به اسلام گرویده بودند، ۲۶/۸۵ درصد تحصیلات رسمی پایین و ۳۳/۱۰ درصد تحصیلات رسمی بالا داشتند و ۷۸/۲۴ درصد (۳۳۸ نفر) خود یا یکی از والدینشان از کشوری غیرآلمانی‌زبان به آلمان مهاجرت کرده بود. سنجش متغیرها بر پایه مقیاس‌هایی انجام شد که اکنون توضیح داده می‌شود.

همه مقیاس‌ها از ۱ تا ۷ بودند و شاخص‌ها از میانگین گویه‌ها ساخته شدند. استفاده منفعل را دو گویه می‌سنجید که میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای آگاهی درباره «RWT به‌طور کلی» و «حمله‌های RWT به‌طور خاص» را می‌پرسید (ρ اسپیرمن براون ۰/۹۵، میانگین ۳/۳۰). استفاده فعال با همان دو موضوع و با اشتراک‌گذاری، انتشار یا نظر دادن سنجیده شد (ρ برابر ۰/۹۶، میانگین ۲/۶۰). ترس از RWT را سه گویه برگرفته از Crowson و همکاران می‌سنجید (آلفا ۰/۹۵، میانگین ۳/۹۱) و مشارکت مدنی را سه گویه از زیرمقیاس رفتاری Doolittle و Faul (آلفا ۰/۸۵، میانگین ۴/۰۴). درگیری دینی چهار گویه داشت، دو گویه دینداری و دو گویه دانش درباره اسلام (آلفا ۰/۸۸، میانگین ۵/۲۹). گرایش سیاسی با یک گویه از ۱ (چپ) تا ۱۰ (راست) سنجیده شد (میانگین ۵/۰۰). جنسیت، تحصیلات، پیشینه مهاجرت، سن و علاقه سیاسی متغیرهای کنترل بودند. مدل مسیر با بسته lavaan در R نسخه ۴/۲/۲ و برآوردگر بیشینه درست‌نمایی ساخته شد، متغیرهای تعاملی میانگین‌محور شدند و نتایج بر ۵۰۰۰ بوت‌استرپ استوار است. داده‌ها و کد در OSF در دسترس است. این مدل فرضیه‌ها را یکی‌یکی آزمود.

نتایج فرضیه نخست را تأیید کرد: هر دو شکل استفاده با ترس از RWT رابطه مثبت داشتند، استفاده منفعل با b برابر ۰/۱۴ (خطای معیار ۰/۰۶، p برابر ۰/۰۲۵) و استفاده فعال با b برابر ۰/۲۴ (خطای معیار ۰/۰۶، p کمتر از ۰/۰۰۱). درگیری دینی نه خود با ترس رابطه داشت و نه رابطه استفاده با ترس را تعدیل کرد (منفعل: b برابر ۰/۰۴، p برابر ۰/۳۳۴؛ فعال: b برابر ۰/۰۲، p برابر ۰/۶۴۶)، پس H2 رد شد. گرایش سیاسی رابطه استفاده منفعل با ترس را تعدیل نکرد (b برابر منفی ۰/۰۴، p برابر ۰/۱۱۵)، اما رابطه استفاده فعال با ترس را تعدیل کرد (b برابر ۰/۰۸، p برابر ۰/۰۰۲): این رابطه با راست‌گراتر شدن قوی‌تر می‌شد و برای مسلمانان در منتهی‌الیه چپ معنادار نبود. ترس با مشارکت مدنی رابطه مثبت داشت (b برابر ۰/۰۸، p برابر ۰/۰۳۹) و H3 تأیید شد، اما اثر غیرمستقیم استفاده از رسانه بر مشارکت مدنی از راه ترس معنادار نبود. استفاده فعال با مشارکت مدنی مرتبط بود (b برابر ۰/۱۵، p برابر ۰/۰۰۳)، ولی رابطه استفاده منفعل به معناداری نرسید (b برابر ۰/۰۹، p برابر ۰/۰۵۶). برای RQ2 تفاوت ضرایب فعال و

منفعل نه در ترس (Δb برابر ۰/۱۰، p برابر ۰/۳۷۹) و نه در مشارکت مدنی (Δb برابر ۰/۰۳، p برابر ۰/۷۵۸) معنادار بود. مدل ۱۶ درصد واریانس ترس و ۳۴ درصد واریانس مشارکت مدنی را توضیح داد. این الگو را باید با احتیاط تفسیر کرد.

تفسیر نویسندگان از این الگو چهار نکته دارد. نخست، استفاده فعال برخلاف انتظار حفاظتی نبود و ترس را کاهش نداد، شاید چون ارتباط با گروه تهدیدشده ترس را تقویت می‌کند. دوم، درگیری دینی تعدیل‌گر نبود، احتمالاً چون نزدیک به ۸۰ درصد نمونه پیشینه مهاجرت دارد و راست‌گرایی افراطی در آلمان خارجی‌ها را هدف می‌گیرد، نه فقط افراد دیندار. سوم، گرایش راست در استفاده فعال با ترس بیشتر همراه بود، برخلاف نمونه‌های عمومی، و نویسندگان این را به معنای متفاوت چپ و راست در اقلیت‌های مهاجر و پیوندهای ملی با کشور مبدأ نسبت می‌دهند و می‌پذیرند که تفسیرهای دیگر، مثل تفاوت محیط رسانه‌ای، ممکن است. چهارم، ترس ضعیف اما مثبت با مشارکت مدنی همراه بود، پس می‌تواند هیجانی بسیج‌گر باشد. پیامد عملی این است که فضاهای امن گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی لازم است، ترس اقلیت‌ها نباید یکسره زیان‌بار تلقی شود و گرایش سیاسی باید در طراحی فضاهای کنش مدنی دیده شود. محدودیت‌ها نیز روشن است: طرح مقطعی علیت را آزمون نمی‌کند و جهت معکوس ممکن است، مقیاس مشارکت مدنی اعتباریابی رسمی نشده، گرایش سیاسی با یک گویه سنجیده شده، محتوای دیده‌شده خودگزارشی است و مسلمانان آلمان گروهی ناهمگن‌اند.

نکات کلیدی

- **مطالعه موردی:** پیمایش آنلاین ۴۳۲ مسلمان ساکن آلمان در مه ۲۰۲۲ درباره استفاده فعال و منفعل از محتوای شبکه‌های اجتماعی مرتبط با تروریسم راست‌گرای افراطی
- **مفهوم مرکزی:** ترس از تروریسم راست‌گرای افراطی به‌مثابه هیجانی که هم آسیب‌پذیری گروهی را نشان می‌دهد و هم می‌تواند با مشارکت مدنی همراه شود
- **چارچوب تحلیلی:** نظریه هویت اجتماعی، نظریه خودمقوله‌بندی، نظریه هیجان‌های میان‌گروهی و نظریه ارزیابی، با مدل مسیر در بسته lavaan و ۵۰۰۰ بوت‌استرپ
- **یافته کلیدی:** هر دو شکل استفاده با ترس رابطه مثبت داشتند (منفعل ۰٫۱۴ و فعال ۰٫۲۴). رابطه استفاده فعال با ترس در گرایش راست قوی‌تر بود و درگیری دینی آن را تعدیل نکرد. ترس با مشارکت مدنی رابطه مثبت و ضعیف داشت (۰٫۰۸).
- **استدلال اصلی:** ترس ناشی از محتوای تروریستی لزوماً به عقب‌نشینی از زندگی مدنی نمی‌انجامد و می‌تواند هیجانی بسیج‌گر باشد. این نتیجه به دلیل طرح مقطعی و تفاوت‌های معنادارنشده میان استفاده فعال و منفعل باید محتاطانه تفسیر شود.



اندیشکده فرهنگ و توسعه

باشگاه مقالات فرتو